

جهان در قرن بیست و دو

پایان نظام سرمایه‌داری غربی

سقوط امپریالیسم امریکا

تأسیس حکومت جهانی به مرکزیت قدس شریف

جاک آتالی

محمد علی اخوان

(جلداول)



انتشارات اخوان خراسانی

سرشناسه	آتالی، ژاک Attali, Jacques
عنوان و نام پدیدآور	جهان در قرن بیست و دو : پایان نظام سرمایه داری، سقوط امپریالیسم آمریکا. تألیس حکومت واحد به مرکزیت قدس شریف / جاک اتالی : [ترجمه] محمد علی اخوان.
مشخصات نشر	تهران : اخوان خراسانی ، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	ج ۲.
شلیک	دوره : ۵-۷-92526-600-978 : ج ۱. ۶-2-92526-600-978 : ج ۲. ۳-3-92526-600-978
وضعیت فهرست نویسی	فهیبا
یادداشت	عنوان اصلی : Une breve histoire de l'avenir , c2006.
موضوع	سیاست جهانی -- قرن ۲۱م. -- آینده نگری
موضوع	اقتصاد -- آینده نگری
موضوع	قرن بیست و یکم -- آینده نگری ها
شناسه آرونده	اخوان، محمد علی، ۱۳۱۳ - مترجم
رده بندی کتبی	۱۳۹۱ : ۹۹۲/۲۸۴۳ D
رده بندی دیویی	۳۰۳/۴۹
شماره کتابشناسی ملی	۲۷۲۶۹۹



انتشارات اخوان خراسانی

نام کتاب: جهان در قرن ۲۲ (جلد اول)

جاک آتالی

محمد علی اخوان

صفحه آرا: بنیامین غفاری - طرح پشت جلد: نیدا غفاری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: دانش

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۳۳۵ دو جلد

قیمت دو جلد: ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۶-۲-۹۲۵۲۶-۶۰۰-۹۷۸ --- شابک دوره ۷-۵-۹۲۵۲۶-۶۰۰-۹۷۸

آدرس: جنت آباد شمالی - کورش شرقی - شهید محمدی پ ۱۵

تلفن: ۴۴۸۱۰۹۴۵ - تلفاکس: ۴۴۲۴۶۰۸۹ - همراه: ۰۹۳۵۲۵۲۵۴۸۰

کلیه حقوق متعلق به ناشر می باشد

فهرست مطالب

سر آغاز.....	۷
پیشگفتار.....	۱۲
فصل اول: شمای از تاریخ دور و دراز پیدایش بشر.....	۲۶
۱- زندگی در گردش، بیرحمی و آمیزش جنسی.....	۲۸
۲- دوران آیین گرایی و یکجا نشینی.....	۳۳
۳- دوران امپراطوریه.....	۳۸
فصل دوم: خلاصه‌ای از تاریخ سرمایه داری.....	۴۰
۱- نظم ایدال جدید و برتر.....	۴۳
۲- بازارهای مکاره، شهرها و ملت.....	۵۵
۳- از مرکزی به مرکز دیگر تجاری.....	۵۹
۴- بروژ - (شهری در بلژیک - مترجم) از ۱۲۰۰ تا ۱۳۵۰.....	۶۲
۵- ونیز - از ۱۳۵۰ تا ۱۵۰۰: فتح مشرق زمین.....	۶۵
۶- آنور (بندری در بلژیک - مترجم) از ۱۵۰۰ تا ۱۵۶۰ - عصر چاپ.....	۷۳
۷- جنوا - از ۱۵۶۰ تا ۱۶۲۰ - هنر حسابداری، صرافی، سوداگری.....	۷۷
۸- آمستردام - از ۱۶۲۰ تا ۱۷۸۸ تولید ناوچه.....	۸۱
۹- لندن - از ۱۷۸۸ تا ۱۸۹۰ نیروی بخار.....	۸۶
۱۰- بستن - از ۱۸۹۰ تا ۱۹۲۹ - انفجار ماشین.....	۹۶
۱۱- نیویورک - از ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۰: قدرت الکتریسته.....	۱۰۲
۱۲- لوس آنجلس - از ۱۹۸۰ تا ؟ زندگی در گردش کالیفرنایی.....	۱۰۹
۱۳- آغاز یک پایان.....	۱۲۲
فصل سوم: سقوط امپریالیسم آمریکا.....	۱۲۹
۱- بهترین آینده شکل نهم.....	۱۳۲

- ۲- تبدیل زمان به کالای تجاری..... ۱۴۲
- ۳- کاروزندگی در گردش همه جا گیر می شود ۱۴۷
- ۴- جهان پیر می شود ۱۵۲
- ۵- سرنوشت آینده شهرها ۱۵۴
- ۶- کمبود غیر قابل جبران ۱۵۹
- ۷- خفقان تکنولوژیکی..... ۱۶۷
- ۸- تنها کمبود واقعی: کمبود وقت..... ۱۶۸
- ۹- پایان نهمین شکل نظام اقتصاد بازار..... ۱۷۰
- ۱۰- آیا دهمین نظام اقتصاد بازار شکل خواهد گرفت؟ ۱۷۵
- فصل چهارم: اولین موج آینده: موج فوق امپراطوری..... ۱۹۰
- ۱- تعمیم دموکراسی بازار: جهان متعددالمرکز..... ۱۹۱
- ۲- مسئله جایگزینی دولت: از فوق نظارتی به نظارت اتوماتیک..... ۱۹۵
- ۳- پایان اقتدار دولتها..... ۲۰۵
- ۴- تجاری شدن مطلق وقت..... ۲۱۰
- ۵- صنایع در حرکت و گردش..... ۲۱۳
- ۶- اربابان فوق امپراطوری: موسسات در گردش..... ۲۱۹
- ۷- گردشگران با لقوه:..... ۲۲۱
- ۸- قربانیان فوق امپراطوری: خانه به دوشان و کارتن خوابان..... ۲۲۲
- ۹- حاکمیت فوق امپراطوری..... ۲۲۶
- ۱۰- پایان آزادی به نام آزادی..... ۲۳۰
- فصل پنجم: دومین موج آینده: فوق اغتشاش..... ۲۳۴
- ۱- جاه طلبیهای منطقه ای..... ۲۳۵
- ۲- دولتهای چپاولگر، ارتشیان مزدور..... ۲۳۷
- ۳- خشم طبقه لائیک ۲۴۱

- ۴- خشم معتقدین به ادیان..... ۲۴۴
- ۵- ابزارهای جنگی در دوران فوق اغتشاش..... ۲۵۳
- ۶- مسلح شدن، مرتبط شدن..... ۲۵۷
- ۷- مذاکره و همکاری..... ۲۶۱
- ۸- نابودی رژیمهای مهاجم..... ۲۶۲
- ۹- حمله پیشگیرانه..... ۲۶۴
- ۱۰- جنگ کمبود نفت و آب..... ۲۶۵
- ۱۱- جنگ مرزها: از خاور میانه تا آفریقا..... ۲۶۸
- ۱۲- جنگهای نفوذی..... ۲۶۹
- ۱۳- جنگ بین دزدان در گردش با ساکنین در یک محل..... ۲۷۰
- ۱۴- فوق اغتشاش و بر خور..... ۲۷۲
- فصل ششم: سومین موج آینده: فوق دموکراسی..... ۲۷۶
- ۱- شوک دموکراتیک (بیدار باش برای آزادی)..... ۲۷۸
- ۲- پیشقراولان فوق دموکراسی: دگراندیشان اقدامات عقلانی..... ۲۸۱
- ۳- موسسات ابر دموکراسی..... ۲۸۵
- ۴- مکان بازار در ابر دموکراسی..... ۲۹۰
- ۵- دست آورد جمعی ابر دموکراسی..... ۲۹۲
- ۶- دست آورد فردی ابر دموکراسی: اموال عمومی از جمله وقت خاص هر فرد..... ۲۹۵
- ۷- انحراف از ابر دموکراسی..... ۲۹۶
- خاتمه..... ۲۹۸
- پسگفتار: محمد علی اخوان..... ۲۹۹

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.
 هر آینه در تورات و زبور نوشتیم که همانا زمین در اختیار بندگان صالح ما قرار خواهد گرفت.

(قرآن-۲۱-۱۰۵)

متأسفانه همه چیز مبهم و تصورات ما اوهام است. آینده از فاصله دور به ما می‌خندد. ما نه می‌توانیم مانند خاطرات خیالی خود باشیم و نه اینکه، آنگونه که هستیم خود را بپذیریم.

لُرد بایرن

این کتاب ترجمه ای است از:
 Une breve histoire de l'avenire

سر آغاز

پیشگوئی از قدیم الأیام وجود داشته و پیشگویان زیادی وارد این وادی شده و از این راه درآمدهائی نیز داشته اند. ما افراد زیادی را سراغ داریم، که نامشان در کتب تاریخ و رجال آمده و شهرت زیادی پیدا کرده اند.

در اینجا ما به معجزات پیامبران و افرادی، که از طریق وحی و الهامات خداوند علّامُ الغیوب از آینده خبر می داده اند کاری نداریم. در اینجا ما نمی خواهیم وارد فضای ما وراء الطبیعه و عالم لاهوت شویم. در اینجا سخن از طبیعیّات و چیزهائی است که از طریق اسباب و علل طبیعی و محسوسات و تجربه ها به دست می آیند. در این مورد افرادی که دارای دانشی بوده اند: از قبیل ستاره شناسی، کیهان شناسی، حرکت افلاک و تأثیر گردش سیارات روی یکدیگر و بر فضای کیهانی و به نسبت تجربه ای که از این راه به دست آورده اند، در باره آینده پیشگوئی هائی کرده اند.

یکی از معروف ترین پیشگویان در این مورد نوسترا داموس فرانسوی (۱۵۰۳-۱۵۶۶) است، که چون هم منجم و ستاره شناس بوده و هم کیمیاگری قدیم (شیمی فعلی) را می دانسته، در مورد آینده ی زمان خود، که همین زمان ماویس از آن باشد پیش بینی هائی کرده که خیلی از آنها هم درست از آب در آمده و نام او در کتب مربوطه ضبط شده است.

اما باید توجه داشت که پیشگویان، آینده را با توجه به اوضاع واحوال و شرایط زمان خود سنجیده اند و بر اساس محاسبات ریاضی ای که داشته‌اند، در آینده ی دور از بحرانهایی خبر داده‌اند. اغلب توجه نکرده‌اند که ممکن است در آینده شرایط عوض شوند و مجهولات گذشته جزء مکشوفات گردند و در کلیه زمینه‌ها، اوضاع را تغییر دهند.

روزی که از بوی پهن اسبهای کالسکه‌ها، در شهرها اظهار نگرانی می‌کردند و به فکر چاره افتاده بودند، ناگهان اتوموبیل اختراع گردید و مردم دچار بهت و حیرت و سرافکندگی او بی خبری خود شدند. و از نگرانی در این مورد رهیدند ولی قرن‌ها بعد گرفتار دود گازوئیل و منو اکسید کربن همین اتوموبیل‌ها شدند (زمان ما)

زمانی بود که برای ارسال یک خبر، به وسیله نامه، از محلی به محل دیگر ماه‌ها و یا سال‌ها وقت صرف می شد و ممکن بود که به مقصد نرسد، اما امروز، با پیشرفت تکنولوژیها، به ویژه تکنولوژی ارتباطات، هر خبری بلا فاصله، از مبدأ صدور به اقصی نقاط جهان پخش می شود. در این مورد مثالهای زیادی وجود دارد که اینجا جای اطاله کلام نیست.

کتاب حاضر، تغییرات و تحولات آینده را تا قرن ۲۲ پیش بینی کرده است. این کتاب در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ نوشته شده و اکنون، که من این مقدمه را می نویسم اوایل سال ۲۰۱۲ (که طبق پیش بینی مایاها ۱۲ ماهه دسامبر این سال دنیا به آخر خواهد رسید- مترجم) می باشد و مشخص نیست که کی وجه سالی چاپ و منتشر شود و شاید اصلا منتشر نشود. هم اکنون، با در نظر گرفتن تغییرات و تحولات و اغتشاشات و آشوبهایی که در سالهای اخیر، در جهان رخ داده، بسیاری از پیش بینی های نویسنده رخت هستی بر خود پوشیده اند، و در کشورهای گوناگون، به صورت بسیار روشن خود را نشان داده اند. زمانی که نویسنده، کتاب را می نوشته اشغال کشور افغانستان و عراق توسط نظامیان

آمریکا و ناتو رخ داده، اما در آن وقت، جنبشهای اخیر و حق طلبیهای توده های مردمی، بیداریهای مذهبی- اقتصادی- اجتماعی و سیاسی، بر کناری دیکتاتورهادر کشورهای نظیر تونس، مصر، عراق و لیبی و آشوبها و اغتشاشات در کشورهای یمن و بحرین و.... هنوز علنا رخ نداده بوده اند ولی از موارد پیش بینی شده نویسنده می باشند.

در بسیاری از موارد، نویسنده در جایی که گفته «در آینده این چنین خواهد شد» خط تیره کشیده و نوشته است که - اکنون شده است - اینجانب نیز در موارد مقتضی از او پیروی کرده ام

پیشگوئی اگر با توجه به تجربیات حاصله از حوادث اتفاقیه در گذشته و آثار آن در زمان حال باشد چندان هم بی جا نیست. همانگونه که مشاهده می کنیم، در طول ربع قرن و یا نیم قرن گذشته، وضعیت در روی کره زمین، در بسیاری از محیطها فرق کرده؛ آب و هوا التوده شده، گرمای کره زمین افزایش پیدا کرده و بسیاری از کوههای یخی در قطب، ذوب شده اند؛ بسیاری از آبزیان و حشرات، گیاهان و درختان جنگلها از بین رفته اند؛ با وجود کشفیات علمی در حیطه پزشکی و بهداشتی، از بیماریها کاسته نشده و برعکس بر تعداد آنها افزوده شده است؛ بی عدالتی به حد اعلا رسیده و فریاد توده هارا بلند کرده است.

پیشگویان اگر بخواهند به بشر هشدار بدهند که در مورد اعمال و رفتار خود نسبت به طبیعت و حقوق دیگران تجدید نظر کند و به فکر سلامتی و امنیت خود در آینده باشد خوبست و بجا، اما اگر مبتنی بر خرافات و عقاید برخی از سودجویان و فال بینان باشد نادرست و باید از آن جلوگیری کرد.

آنچه مسلم است اینکه از این به بعد نباید توده های مردمی و حق طلبیهای آنان را نادیده گرفت. فریاد آنها از همه جا به گوش می رسد. شرایط اقتصادی و زیست محیطی رو به وخامت گزاردۀ اند. گروههای ۹۹٪ ندارها، همه جا قد علم کرده اند. حق هم با آنها ست. وسایل ارتباطی، نقاط جهان را به یکدیگر

نزدیک می کنند و جهان به یک پارچگی نزدیک می شود . سر و صدای جهانی شدن، سالها ست در کلیه نقاط عالم طنین انداز شده و دورانی که:

«همه چیز مال همه و هیچ چیز مال هیچکس نباشد»

فرا رسیده است .

حال که باید جهان یکی شود ؛ مرزها از بین بروند ؛ و در یک کلمه «عدالت» حکم فرما شود چرا ما به اغتشاشات و آشوبها ، و در مقابل ، به سرکوبها و کشت و کشتارها ادامه دهیم . بیائیم دور هم جمع شویم و از راه مشاوره و همیاری و همکاری در مورد اداره کردن جهان، سیستمی را که ناگزیریم در آینده ، آن را به اجرا در بیاوریم ، از همین حالا پیاده کنیم . چه کنیم ؟ چگونه ؟

جلد دوم کتاب و، به ویژه پیسگفتاریادتان نرود.

محمد علی اخوان

پیشگفتار:

ما در این کتاب، وضعیت جهان را در سال ۲۰۵۰ پیش خود ترسیم می‌کنیم و بر اساس آن، آینده را در قرن بیست و دو پیش بینی می‌نماییم. طبق روش ما در این کتاب، فرزندان و نوادگان ما، در آینده یا در جهانی زنده و فعال زندگی خواهند کرد و یا اینکه، با ابراز نفرت و انزجار از ما، دوزخی از این زندگی را پشت سر خواهند گذاشت. اگر ما بخواهیم، جهانی اجتماعی و قابل معاشرت برای آنان بجای بگذاریم باید زحمت پیش بینی آینده را بخود بدهیم و روشن سازیم که زیر بنای آینده از کجا و از چه چیز پی نهاده شده و پس از این چگونه عمل خواهد کرد؟

آیا این امر امکان پذیر است؟

آری، امکان پذیر است. تاریخ از قوانین و اصولی پیروی میکند که امکان پیش بینی و حتی راهبری آن را بمانده می‌دهد.

موضوع بسیار ساده است: نیروهای بازار، جهان را در اختیار دارند، مظهر نهایی پیروزی فرد گرایی، یعنی روشی که بر اساس آن پول بر همه چیز برتری دارد پایه‌های اولیه جهش ناگهانی تاریخ را می‌سازد:

تسریع، جذب، دفع، و استیلا بر تاریخ.

اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، پول هر مانعی را که بر سر راه او قرار بگیرد، از آن جمله دولت‌ها، حتی ایالات متحده را از میان بر خواهد داشت. بازار، که تنها حاکم مطلق جهان است وضعیتی به وجود خواهد آورد که من آنرا: فوق امپراطوری مینا مم: غیر قابل کنترل، جهانی و بین‌المللی، خالق ثروت‌های بازاری و سیستم‌های ارتباطی جدید، درآمدهای هنگفت، و نیز بدبختی و فقر طاقت فرسا.

طبیعت، در این جریان مرتب ضربه می‌خورد، همه چیز خصوصی می‌گردد حتی ارتش، پلیس و قضاوت و داوری. انسان در این وضعیت همانند موجودی پیوند خورده از اعضای خارجی است. او ابزاری بخود بسته است که او را از حالت

طبیعی اش خارج ساخته و، پیش از آنکه ماشینی شود بصورت انبوه، به مصرف کنندگانی که خود آنها نیز ماشینی و غیر طبیعی هستند فروخته می‌شود. بتدریج، انسانی که بدین ترتیب نسبت به نیروهای ذاتی و خلاق خود بی‌کانه گردیده است از بین خواهد رفت.

اگر انسان از پیش، از جلوی این چنین آینده‌ای عقب نشینی کند و با جمع‌گرایی قطع رابطه نماید پیش از اینکه از ارتباطات پیشینش آزاد گردد، در گیر و دار ممتد و طولانی با بربریت قهقرایی و جنگهای مخرب با تسلیحات غیر قابل پیش‌بینی، مخالفین دولتها، گروههای مذهبی، تروریستهای بنیادی و دزدان دریایی و معلوم الحال گرفتار خواهد شد. من این دوران را دوران فوق اغتشاش می‌نامم که باعث نابودی بشر خواهد شد.

بالأخره، اگر جهانی شدن، بدون برخوردی محاط شود، و اگر بازارتوسط قانون مهار شود، اگر دموکراسی مجرد کاملاً بین‌المللی گردد و اگر امپریالیسم در جهان از بین برود در این حالت فضایی نامتناهی از آزادی، حس مسئولیت، لیاقت و شایستگی، گذار از حالت بربریت به حالت انسانیت و احترام متقابل شکوفا خواهد شد. این وضعیت را من فوق دموکراسی می‌نامم که به استقرار حکومت جهانی و دموکراتیک و مجموعه‌ای از موسسات محلی - منطقه‌ای منتهی خواهد شد.

این وضعیت، بهر کس امکان خواهد داد تا با استفاده از نیروهای بالقوه و اختراعات حیرت‌انگیز و تکنولوژی جدید به سمت کثرت و فراوانی و رایگانگی و بهره‌گیری عادلانه از مزایای آن قدم بر دارد؛ از راهکارهای سود بخش بازار سود جوید؛ نعمت آزادی را از افراط‌گرایی، به عنوان یک دشمن، محفوظ نگهدارد؛ و برای نسل آینده محیطی سالم ایجاد کند؛ و زمینه را برای ایجاد روشهای خوب زندگی و اخلاقیات دست جمعی افراد بشر فراهم نماید.

اکنون مای توانیم تاریخ پنجاه سال آینده را پیش‌بینی کنیم:

پیش از سال ۲۰۳۵ میلادی، سلطه امپریالیسم آمریکا بطور موقت، مانند پیشینیانش به پایان خواهد رسید. سپس سه موج آینده یعنی موج امپراطوری، موج اغتشاش و موج آزادی مطلق، یکی پس از دیگری به ظهور خواهند رسید. دو موج اول، از پیش، فنا پذیر هستند و سومین، از پیش، غیر قابل وقوع بنظر می‌رسد.

بدون شک، این سه وضعیت از جهان آینده، در حال حاضر پشت سر هم قرار دارند ولی در آینده با یکدیگر تلاقی خواهند کرد. من فکر می‌کنم، در سال ۲۰۶۰، با پیروزی دموکراسی مطلق سازمان عالی انسانی و مظهر نهایی و محرک تاریخ یعنی آزادی شکل بگیرد.

اکنون پایه و اساس این تاریخ، یعنی تاریخ حدسی آینده را ترسیم می‌نمائیم. خواهند گفت که این، کاری بیهوده است. زیرا چه بسا ممکن است افراد و یا حوادث غیر مترقبه‌ای، مسیری را که شما حدس می‌زنید تغییر بدهند. علاوه بر این، اگر پایه تاریخ، پیروزی آزادی فردی باشد این آزادی، تاریخ آینده را غیر قابل پیش بینی می‌سازد. چند مثال بارز از تاریخ، این موضوع را روشن می‌سازند:

اگر در سال ۱۷۹۹ میلادی، ناپلئون بنا پارت، بر رقابش پیروز نمی شد و امپراطوری فرانسه را تشکیل نمی داد، انقلاب فرانسه حکومت پارلمانی‌ای را به وجود می‌آورد که پایه تاریخ یک قرن قرار می‌گرفت. و نیز اگر در سال ۱۹۱۴ میلادی، در شهر سارا یوو، گلوله قاتل، عمل نمی کرد جنگ جهانی اول، لا اقل به آن صورت آغاز نمی گردید. و همچنین اگر در سال ۱۹۴۱ هیتلر به روسیه حمله نمی کرد می‌توانست، مانند جنرال فرانکو با قدرت و در رختخوابش بمیرد. و اگر در همان سال، ژاپن، بجای حمله به آمریکا به روسیه حمله می‌کرد شاید آمریکا نیها وارد جنگ نمی شدند و اروپا را، همان گونه که کشورهای اسپانیا و لهستان را بسادگی نتوانستند آزاد سازند اروپا را نجات نمی

دادند، فرانسه و ایتالیا و بقیه اروپا شاید زیر چکمه‌های نازیها، لااقل تا حدود سالهای دهه ۷۰ باقی میماند. وبا لآخره اگر در سال ۱۹۸۴ دبیر کل حزب کمونیست شوروی، یو ری آندرو پوف، بمرگ زود رس نمی مرد واگر، همانگونه که پیش بینی می شد، جانشین جانشین او گریگوری رو مانف بجای میخائیل گور با چف زمام امور کشور شوروی را بدست می گرفت شاید اتحاد جما هیر شوروی هنوز پا بر جا بود .

و نیز می توان گفت: هر گونه پیش بینی آینده امری بیهوده است زیرا هر گونه تفکری در این مورد همانند خواب و خیالی است که ما، با توجه به زندگی خودمان در حال حاضر در محلیه مان می پرورانیم .

از آغاز تشکیل جوامع بشری، گفتارها در مورد زمان آینده بصورت پیش گویی بازگشت ازلی کواکب و نتایج حاصله از آن خلاصه می شده است. از نظر کشیشان و سایر رهبران مذهبی، جهان پس از مرگ زنده نخواهد شد مگر با باریدن باران رحمت و تابش مجدد خورشید بدستور خداوند. جهان برتر و کامل فقط در عالم بالا و ما فوق عالم حسی، فضای ایدال و ثابت، پس از گذر از عوالمی مانند عالم برزخ به وجود خواهد آمد و رستگاریز چنین جهان ابدی تحت اراده و بخواست خداوند است نه اعمال انسانی.

پس از آن که بشر فهمید ابداع و اختراع خواهد توانست زندگی مادی، معنوی و مبتنی بر زیبایی را بهبود بخشد ابتدا در اطراف مدیترانه، ملتی زنده وبا ادراک و شایسته پیدا شدند که توانستند پیشرفتها و ترقیات و نیروهای بالقوه کره زمین را بمنصه ظهور برسانند. کسانی که در مورد آینده ی کره زمین بتفکر نشستند (فلاسفه، هنرمندان، قضات، دانشمندان اقتصاد، جامعه شناسان، رمان نویسان، آینده نگران) عموماً آینده را نیز تداوم طبیعی زمان حال توصیف می نمودند. بعنوان مثال:

در آخر قرن شانزده، همه حدس میزدند که خصلت تحرک و جابجایی صنعت چاپ تنها به تقویت دو قدرت حاکم آن روز یعنی کلیسا و امپراطوری خواهد انجامید. و نیز در آخر قرن هیجده، اکثر تجلیل گران، فایده ماشین بخار را تنها تحرک بازار میدانستند و خیال می کردند که در اقتصاد کشاورزی تأثیری نخواهد داشت. همچنین در آخر قرن نوزده، تنها فایده برق را روشن شدن خیابانها و کوچه ها در آینده می دانستند. اگر در ابتدای قرن بیست برخی اختراع زیر دریایی، هواپیما، سینما و رادیو تلویزیون را پیش بینی کردند، هیچ کس، حتی ژول ورن، فکر نمی کرد که این اختراعات، نظام ژئوپولیتیکی را که در آن زمان توسط امپراطوری بریتانیا اجرا میشد تغییر خواهند داد. همچنین هیچ کس به سقوط اروپا و پیروزی کمونیسم، فاشیسم و نازیسم فکر نمی کرد. و نیز خیلی کم بودند کسانی که به پیدایش هنر آبستره، جاز، تسلیحات هسته ای و میکرو بی و نابودکننده نسل بشر فکر کنند. همچنین در آخر قرن بیست بسیاری، ارتباطات فردی و اینترنتی را پژوهشی ساده می انگاشتند و نیز کم بودند کسانی که به ازدواج همجنس بازان بیا نیشند و بالاخره، در این اواخر چه کسی فکر می کرد که مذهب اسلام به قلب تاریخ باز گردد. و مسئله روز شود.

امروز نیز اکثر داستانها در مورد آینده، گرایشهای ما فوق حسی و افراطی است و کم هستند کسانی که در برابر پیش بینی آینده خطر پذیر باشند و چند گانگی، تحولات و تغییرات در ارزشها، بویژه ارزشهای اخلاقی و فکری وایدئولوژی را اعلام کنند. همچنین از انقباضات ایدئولوژیکی که باعث گشتن و حتی ممنوع شدن این تغییرات عمیق می شوند کمتر جلو گیری می شود.

معذالک در نیم قرن آینده، همه چیز، در هر بعدی که فکر کنید در تغییر و تحول خواهد بود.

پس از آنکه، در ابتدای این مقدمه، به نمونه های فوق، در چند خط اشاره کردیم اینک، در چند صفحه خلاصه ای از آن را در معرض دید شما قرار می دهیم:

همه چیز با افزایش جمعیت آغاز می‌شود. در سال ۲۰۵۰، اگر حادثه‌ی خاصی رخ ندهد جمعیت جهان به ۹/۵ میلیارد، یعنی ۳ میلیارد بیشتر از امروز خواهد رسید.

در این قرن، امید به زندگی در کشورهای ثروتمند زیاد می‌شود. حد متوسط متولدین، بدون شک، حتی در آستانه تولید نسل یکنواخت است و در نتیجه سن پیری بالا می‌رود. با یک محاسبه: در کشور چین ۳۶۰ میلیون نفر؛ در هندوستان ۶۰۰ میلیون نفر؛ در نیجریه و بنگلادش ۱۰۰ میلیون نفر، در آمریکا ۸۰ میلیون، در فرانسه ۹ میلیون بر جمعیت افزوده خواهد شد. اما در آلمان ۱۰ میلیون و شاید در روسیه ۳۰ میلیون نفر کاهش خواهد یافت.

دو سوم جمعیت جهان در شهرهایی زندگی خواهند کرد که جمعیت آنها دو برابر شده و علی‌الحساب باید مقدار انرژی و محصولات غذایی برای مصرف آنان نیز دو برابر شود. تعداد افرادی که به سن بلوغ و کار کردن رسیده باشند نیز باید دو برابر باشند. بیش از دو سوم از متولدین این سالها در بیست کشور بسیار فقیر زندگی می‌کنند. علاوه بر این، تغییرات زیاد دیگری نیز در آینده به وجود خواهد آمد که با کمی دقت می‌شود آنها را پیش بینی کرد.

اگر به تاریخ، در دوران طولانی‌بند بنگریم خواهیم دید که در مسیری واحد، لجوج و سرسخت و بسیار ویژه حرکت میکند که هیچ‌گونه جهش ناگهانی و حتی ممتد نتوانسته است او را از مسیرش منحرف سازد.

"آزادی فردی، قرن به قرن برتری خود را بر دیگر ارزشها تحمیل می‌کند" آزادی فردی این عمل را، با از بین بردن تدریجی هر گونه بردگی و استثمار به انجام میرساند و در این مورد از پیشرفتهای فنی، که باعث تغییر در کیفیت پژوهشها میشود، ضمن آزاد ساختن اخلاقیات، سیستمهای سیاسی، هنر وایدیولوژی بهره می‌گیرد.

به عبارت دیگر، تاریخ در اینجا عبارت است از ظهور انسان بعنوان سوژه‌ای که حق دارد خود فکر کند و سر نوشت خود را خودش به دستگیرد و آزاد از هر گونه محدودیتی باشد، بشرط آنکه به حقوق دیگران تجاوز ننماید.

این وضعیت، که هنوز در اختیار طبقه ثروتمند است سر انجام خواهد توانست قدرتهای زمان را زیر سوال ببرد و به جای آنها قدرتهای دیگری را جایگزین سازد. بویژه ملتها، برای نشان دادن برتری فرد بر جامعه سیستمهای گوناگونی برای تقسیم اموال عمومی و مواد اولیه و ثروت‌های کمیاب پی ریزی می‌کنند. مدت مدیدی این وظیفه بر عهده لیدر ارتش، رهبر روحانی و یا شاهزاده بود. پس از آن طبقه جدید حاکم و پر جنب و جوش یعنی طبقه بازاری و اقتصادسرمایه داری دو مکانیسم جدید را برای تقسیم سرمایه ها، بصورت انقلابی در نظر گرفتند:

بازار و آزادی (سیستم عرضه و تقاضا و سیستم مبتنی بر سود - مترجم).

این سیستم، از حدود سی قرن پیش از این، به تدریج خود را بر زندگی انسانها تحمیل کرده و سهم بسزائی در پیشرفت جهانی داشته است و در آینده نیز شرایط اقتصادی جهان را مشخص خواهد کرد.

بازار، به تدریج؛ با رو برو شدن با عکس العملهای کم و بیش خشونت آمیز در سرزمینهای وسیعی تغییر شکل داد. خدمات عمده واسطه‌ای (غذا، لباس، شغل، مسکن، حمل و نقل و ارتباطات) که ابتدا بطور مطلق و یا تحت شرایطی رایگان بودند تبدیل به خدمات تجاری شدند و سپس به صورت کالاهای مصنوعی که بطور انبوه تولید می‌شوند درآمدند که در حقیقت ابزاری برای تحقق آزادی فردی است.

آزادی اقتصادی نیز به تدریج در کشورهای زیادی باعث زایش آزادی سیاسی، ابتدا برای گروهی خاص و سپس برای عموم گردید که تقریباً در تمام قسمتها جانشین قدرتهای مذهبی و نظامی گردید. در واقع دیکتاتورها اقتصاد بازار را ایجاد کردند که آن نیز دموکراسی را به وجود آورد. بدین ترتیب از

آغاز قرن دوازده، اولین بازارهای اقتصاد سر مایه داری تا سپس گر دیدند و بتدریج حیطه جغرافیایی این بازارها وسعت پیدا کرد.

مرکز این دموکراسیها، کم کم به سمت غرب تغییر محل داد. در قرن دوازده ابتدا از خاور میانه به سمت دریای مدیترانه و سپس به دریای شمال، اقیانوس اطلس و بالاخره امروز به اقیانوس کبیر تغییر مکان داده است. تا کنون نه مرکز تجاری اقتصادی، یکی پس از دیگری به وجود آمده اند:

بروژ، ونیز، آئورس، ژنوا، آمستردام، لندن، بستن، نیویورک، و امروز لوس آنجلس.

کلیه سر زمینهای جهان، بجز چین و خاور میانه، پس از این در این نظام اقتصاد سرمایه داری سهم خور خواهند بود. رقابت در این سیستم همیشه باعث می شود که قدرتهای بازار و اقتصاد آزاد—که ظاهراً قابل دسترس برای همگان است—تنها در اختیار قدرتهای جدید نخبه و صاحبان سرمایه و دانش قرار گیرد که این خود نیز باعث ایجاد نابرابریهای جدید خواهد بود.

اگر این تاریخ چند هزار ساله برای مدت نیم قرن ادامه پیدا کند بازار دموکراسی به جاهایی که اکنون در آنجا حضور ندارند سرایت خواهند کرد، تحول و پیشرفت سرعت خواهد گرفت و سطح زندگی بالا خواهد رفت، دیکتاتورها از قلمروی خود محو خواهند شد. اما بی ثباتی و بی قانونی جای ثبات و نظم را خواهند گرفت. آب و انرژی بسیار کم خواهند شد و محیط زیست به خطر خواهد افتاد: نابرابری و محرومیت شدید، بر خوردنها و اعتصابات فراوان خواهند شد. و از اینجا جنبشهای ملی سر چشمة خواهند گرفت.

حدود سالهای ۲۰۳۵، پس از جنگی شدید و ضمن بحران زیست محیطی طاقت فرسا، ایالات متحده آمریکا، امپراطور استعمار گر فعلی با جهانی شدن اقتصاد و تجارت بازار، از نظر مالی به زانو در خواهد آمد. و با قدرت گرفتن بنگاههای عمومی، به ویژه شرکتهای بیمه توان خود را از دست خواهد داد. ایالات متحده، با ضعف مالی و سیاسی، مانند دیگر استعمار گر پیش از خود از

دخالت و استثمار دیگر کشورها دست خواهد کشید. این کشور به اسطوره‌ها خواهد پیوست. قدرت استعماری دیگری و یا ملت دیگری هم جانشین او نخواهد شد. جهان به طور موقت متعدد مرکز خواهد شد و توسط دهها قدرت منطقه‌ای اداره خواهد گردید.

سپس،، حوالی سالهای ۲۰۵۰، بازار، که طبیعتاً مرزی ندارد جهان را به سمت دموکراسی رهنمون خواهد ساخت و قدرت اجرایی آن محدود به سرزمینهای ویژه‌ای خواهد گردید و دولتها ضعیف خواهند شد.

تکنولوژیهای جدید نانومتریک (یک میلیاردیم - مترجم) باعث پایین آمدن مصرف انرژی خواهند شد. خدمات، که هنوز به صورت دست جمعی اداره می‌شوند تغییر خواهند یافت:

بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، امنیت اجتماعی.

تولیدات جدید فوق العاده‌ای در زندگی به ظهور خواهند رسید که من آنها را نگهبانان می‌نامم که به ما اجازه خواهند داد زندگی خود را مطابق با اصول کلی اداره کنیم. هر کس پزشک، آموزگار، محافظ خود خواهد شد. اقتصاد آب و انرژی، بیش از پیش به صورت معتدلی در خواهد آمد. خود نگهبانی (محافظ خود بودن - مترجم) شکل عالی آزادی خواهد بود. که ترس از عدم اطاعت از اصول و مقررات آنرا محدود خواهد کرد.

شفافیت و بی غل و غشی جزء وظایف خواهد شد. کسی که تقلبات، اخلاق، سلامتی و سطح زندگی خود را شفاف نشان ندهد از پیش، مشکوک به نظر خواهد رسید. طولانی شدن عمر و دوره زندگی قدرت را به دست مسئولان و گذار خواهد کرد. دولتها در برابر مؤسسات و بنگاههای عمومی و شهرها ابتدا ضعیف و سپس از بین خواهند رفت. مؤسسات فوق العاده در حرکت و برون مرز، بدون مرکزی خاص، سیستمی را ارائه خواهند داد بنام: فوق امپراطوری. در این سیستم هر کس مسئول خویش است. این سیستم برون مرز، هیچ ملتی را نمی

شناسد (ملی گرایی رسمیت نخواهد داشت). فقرا نیز برای خود بازاری، در بین دیگر بازرها، خواهند داشت. قوانین گذشته ملغی و کارها بر اساس قرار دادهای فیما بین انجام خواهند گرفت. قضاوت با حکمیت انجام خواهد شد. وظیفه پلیس بر عهده مزد بگیران سپرده خواهد شد. تنوعات جدیدی در سیستمها دیده خواهند شد. نمایش و ورزشهایی را بمعرض تماشا قرار خواهند داد تا جوامع را از حالت سکون و یک جانشینی خارج سازند و به زندگی تحرک بخشند. توده‌های زیادی از جامعه ی متحرک فقیر، بنام متحرکین دون پایه، در جستجوی زندگی بهتر از مرزها عبور خواهند کرد. شرکتهای بیمه به جهان، نظم و آرامش خواهند داد و مقرراتی وضع خواهند کرد که دولتها و موسسات عمومی و حتی بخشهای خصوصی باید آنها را بپذیرند و به مرحله اجرا در آورند. موسسات خصوصی و مسئول اداره امور، باید به این مقررات، به حساب شرکتهای بیمه احترام بگذارند. منابع اولیه کمااب و روباتها فراوان خواهند شد. اوقات مردم، حتی اوقات خاص هر کس، صرف مصرف کالای تولیدی خود خواهد شد. یک روز خواهید دید که هر کس پیشنهاد ترمیم اتوماتیک اعضای خود را می‌دهد و سپس مشغول تولید اعضای ترمیمی برای این کار می‌شود و بدین ترتیب تبدیل به مجموعه ی پیوند خورده از اعضای تولیدی خود می‌گردد. انسان موجودی مصنوعی و ماشینی می‌شود که مصنوعات جدید خود را مصرف می‌نماید، بی رحم که نتیجه بی رحمی خود را می‌بیند و قربانی نتایج شوم و فساد حاصل از تحرک گرایی خویش می‌گردد.

این وضعیت، طبیعتاً بدون اغتشاش و آشوبهای مضر و مخرب نخواهد بود. پیش از اینکه استعمار آمریکا از بین برود و پیش از اینکه جو حاکم غیر قابل تحمل شود ملتها، در مورد تصاحب سرزمینها با یکدیگر به نزاع خواهند پرداخت. جنگهای زیادی به وقوع خواهند پیوست؛ ملتها، دزدان دریایی و چپا و لگران، مزدوران، مافیاها، جنبشهای مذهبی به سلاحهای جدیدی مجهز خواهند شد که وسیله‌ای برای

ابراز برتری واز بین بردن مخالفین محسوب خواهند شد. از مصنوعات الکترونیکی، ژنتیکی و نانو متریک استفاده خواهند کرد.

به علاوه، این امپراطوری مطلق هر کسی را در همه چیز به رقابت با دیگران و میدارد و باعث می شود که برای نفت و آب، حفظ سر زمینها و یا ترک آنها، و نیز تحمیل و تبلیغ ایمان مذهبی، تخریب و اضمحلال غرب و به اجرا گذاردن ارزشهای خود با دیگران بجنگد. قدرت در اختیار دیکتاتورهای نظامی مرکب از ارتش و پلیس در خواهد آمد. جنگی با کشتار زیادتر از دیگر جنگها و فوق اغتشاشی متمایز تر از دیگر اغتشاشات در خواهد گرفت که انسانیت را بنا بودی خواهد کشاند.

حدود سالهای ۲۰۶۰، او فورا پیش از اینکه انسانیت زیر ضربات بمبها از بین برود نه استعمار آمریکا نه فوق امپراطوری و نه فوق اغتشاشی که گفتیم قابل تحمل نخواهند بود. نیروهای جدیدی، با روحیه نوع پرستی و جهان شمولی، که اکنون مظاهر آنها پیداست قدرت جهانی را به دست خواهند گرفت و ملزم به حفظ محیط زیست، اخلاق، فرهنگ، سیاست و اقتصاد خواهند بود؛ آنان به تدریج به سمت تعادل و توازن جدید جهانی بین بازار و دموکراسی یعنی فوق دموکراسی رهنمون خواهند شد؛ موسسات جهانی و بین قاره ای، به لطف تکنولوژیهای جدید، زندگی دست جمعی و همگانی ای را سازمان خواهند داد؛ این نیروها حدود مصنوعات ماشینی و بازرگانی را تثبیت خواهند کرد و شکل زندگی را تغییر خواهند داد؛ ارزشهای طبیعی را به منصف ظهور خواهند رساند؛ رسیدن به فراوانی و احساس مسئولیت افراد و دست یافتن به دانش را تسهیل خواهند کرد. وجود یک نوع هوشمندی جهانی را امکان پذیر خواهند ساخت که شایستگی و اخلاقیات کلیه افراد بشر را در اختیار همگان قرار خواهند داد. یکنوع اقتصاد جدید به نام اقتصاد پیوستگی (relationnelle) پدید خواهد آمد که خدمات را، بدون سودجویی به بشر ارایه خواهد داد و در نتیجه با بازار رقابت خواهد کرد.

همان گونه که بازار، در چند قرن پیش به فئودالیسم خاتمه داد این اقتصاد نیز بازار را از میدان به در خواهد برد.

در چنین دورانی، که خیلی هم دور نیست، بازار و دموکراسی، به آن مفهوم که امروز می بینیم وجود نخواهد داشت و جزء مقولات عبور شده در خواهد آمد. بازار و دموکراسی جزء خاطرات مبهم در خواهند آمد که به اندازه بی رحمی و کشت و کشتار زمان ما غیر قابل تحمل خواهند بود.

بطور خلاصه: آنچه که در این کتاب آمده، ممکن است کاریکاتور، قطعی و جزمی و استبداد گونه باشد. در اینجا می خواهیم نشان بدهیم که در حقیقت تصویر زندگی در آیند این چنین خواهد بود، نه آن چنان که من آرزو دارم.

من این کتاب را نوشتم برای اینکه آینده، آنگونه که من از آن می ترسم نباشد و به پرورش استعداد های فوق العاده ای که امروز وجود دارد کمک نماید. خوانندگان خوش ذوق و موشکاف، در این کتاب به عمق موضوعاتی که من در خلال رساله ها و رمان های پیشین خود مطرح کرده ام پی خواهند برد. من، در نوشته های پیشین، قبل از اینکه به طور معمولی از آن سخن به میان آورم به موضوعاتی از قبیل:

چرخش ژئوپلیتیکی جهان به سمت غرب؛ بی ثباتی در اقتصاد سر مایه داری؛ تغییرات آب و هوایی، پیدا شدن منابع جدید مالی، صدمه پذیری نظام کمونیسم، خطرات تروریسم، ظهور تحرک گرایی، اختراع تلفن همراه و وسایل ارتباط فردی و اینترنت و سایر وسایل ارتباطی، پدید آمدن خدمات رایگان، نقش عالی و مهم هنر، به ویژه هنر موسیقی در کل تطورات جهان. اشاره کرده ام.

خوانندگان موشکاف، اگر در نظریات من دقت کنند برخی انعطاف هایی را مشاهده خواهند کرد. تفکر من وحی منزل، که از کمال مطلق بر خوردار است نیست. بالأخره، همانگونه که هر گونه پیشگویی، ابتدا با توجه به اوضاع و احوال زمان خود تخمین زده می شود این کتاب نوشته ای است سیاسی که امید وارم

هر کس، هنگام مشاهده تغییر و تحول اساسی در هر کجای جهان، آنرا بی غرضانه به بهترین وجه مورد استفاده قرار دهد .

www.ketab.ir

فصل اول

شمه‌ای از تاریخ دور و دراز پیدایش بشر

برای اینکه بفهمیم آینده چگونه خواهد بود من، به موضوعات مهمی از تاریخ گذشته اشاره می‌کنم. مشاهده خواهیم کرد که گذشته با زیر وبمها و تحولاتی دست بگریبان بوده و از آنجا زیر بنای تاریخ ریخته شده است و می‌توان تاریخ آینده را نیز، از خلال آنها پیش بینی کرد.

در گذشته های بسیار دور، گروههای گوناگون افراد بشر، بدون یک ملک و آب و خاک، با زبانی خاص و در سر زمینی خاص و با فلسفه‌ای ویژه به رهبری یک رئیس و حاکم، زندگی خو در سازمان داده اند؛ بدین ترتیب سه قدرت، با سه نوع رهبری وجود داشته است:

۱- مذهب که اصول و مقررات و آیینهای عبادی را تثبیت می‌کند. به زندگی و نحوه کار کشاورزی نظام می‌بخشد. رسیدن به زندگی آینده و پس از مرگ را مشخص می‌سازد.

۲- ارتش که به نظام دفاعی سر زمین سازمان می‌دهد.

۳- بازار و سوداگری که روش تولید، امور مالی و تجاری و نحوه بکار گیری فراورده‌های کشاورزی و نتایج حاصله از کار را سامان می‌دهد ..

هر یک از این سه قدرت، بر زمان تسلط داشته‌اند و ابزار هایی، بعنوان میزان و مقیاس کارها مانند رصد خانه، صنعت کشتی سازی، ساعت در یابی و امثال آن را در اختیار داشته‌اند.